



بررسی توالی پرسش و پاسخ آغازین در کل: نمونه موردی برنامه دوره‌می

سید محمد حسینی^۱

مقاله پژوهشی

چکیده

پژوهش حاضر پرسش و پاسخ آغازین کل‌های سرگرم‌کننده برنامه دوره‌می را بررسی می‌کند تا بدانیم چه ویژگی، یا ویژگی‌هایی، در آن‌ها هست که قاب کل را در ذهن افراد بالقوه فعال می‌کند. بدین منظور نمونه‌های کل کل بین مجری و مهمانان چهار فصل برنامه دوره‌می که توسط کاربران عادی با عنوان کل کل در شبکه‌های اجتماعی هم‌رسانی شده بودند بارگیری و ترانویسی گردید. سپس رابطه طراحی پرسش در نوبت آغازین با طراحی پاسخ به آن در پرتو دست‌آوردهای روی‌کرد تحلیل گفت‌وگو بررسی گردید. نتایج نشان می‌دهد که کل کل بین مجری و مهمان مشترکاً ساخته می‌شود، به این شکل که نوبت اول کل کل با یک پرسش تعدیل‌نشده آغاز می‌شود و بسته به موضوع کل کل، می‌تواند تنوع ساختی، و به تبع آن تنوع نوع محدودیت، داشته باشد، اما پاسخ آغازینی که قاب کل را کلید می‌زند، نه از نوع پاسخ مرجح یا نامرجح در زوج‌های هم‌جوار، بلکه از نوع پاسخ جایگزین، به‌ویژه پاسخ برگردان، است که دارای درجاتی از مقاومت در برابر موضوع و برنامه پرسش یا پیش‌انگاره‌های آن است و تقریباً همیشه به شکل تعدیل‌نشده بیان می‌شود. هنجارهای نظم اخلاقی، یعنی حقوق و الزامات مترتب بر جایگاه و شأن افراد، و نوع رابطه بین مجری و مهمانان و نیز موضوع‌ها در شکل‌گیری کل کل سرگرم‌کننده در برنامه دوره‌می نقش مهمی بازی می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: کل کل، قاب، زوج هم‌جوار، پرسش، پاسخ، پاسخ برگردان، نظم اخلاقی

۱- مقدمه

ساختار اجتماعی نوعی نظم است که تا حدود زیادی به واسطه گفتار^۱ یا گفتار-در-تعامل^۲ حاصل می‌شود، گفتاری که خود ساختمان و منظم است. به بیان دیگر، زبان نوعی کنش اجتماعی است و سازمان‌یافتگی^۳ تعامل اجتماعی سازمان‌یافتگی ساختار اجتماع و نهادهای اجتماعی را آشکار و تقویت می‌کند. کنشگران اجتماعی بر مبنای یک حس مشترک دانشی دارند درباره این که در یک تعامل معین با انجام دادن فعالیت‌های گوناگون در حال انجام چه عملی هستند. گافمن^۴ ([۱۹۷۴][۱۹۸۶]) این حس مشترک درباره «تعریف موقعیت» را چارچوب یا قاب^۵ می‌نامد که برخی دیگر (از جمله شف^۶، ۲۰۰۵) آن را با مفهوم بافت برابر دانسته‌اند. قاب‌ها به تجربه‌ها سامان می‌دهند چرا که فرض‌هایی در اختیار افراد قرار می‌دهند در مورد این که در هر لحظه از تعامل چه اتفاقی دارد رخ می‌دهد. قاب‌ها بین اعضای یک جامعه مشترک و فرهنگ‌ویژه‌اند. به باور گافمن هر قاب کلیدها یا نشانگرهایی دارد که به مشارکان در آن نشان می‌دهند در کجای دنیای واقعی قرار دارند و در هر لحظه از رخدادها چه خوانشی باید داشته باشند. به نظر او، تغییر قاب یعنی تغییر دنیای واقعیت‌ها و تغییر شیوه خوانش رخدادها.

یکی از رفتارهای همه‌جا حاضر در روابط بین‌فردی ایرانیان «کل‌کل» یا «کل انداختن» است. کل‌کل می‌تواند کلامی یا غیرکلامی باشد و نمونه‌های آن را تقریباً در همه موقعیت‌های اجتماعی می‌توان یافت. کل‌کل، چه کلامی و چه غیرکلامی، گاه صرفاً جنبه سرگرم‌کننده دارد و گاه جدی و خصمانه است. با توجه به این که کل‌کل نوعی از تعامل در فرهنگ ایرانی است که ایرانیان به سهولت آغاز، تداوم و پایان آن را درمی‌یابند، یعنی برای ایرانیان رفتاری تشخیص‌پذیر است، می‌توان انتظار داشت که ویژگی‌های صوری معینی داشته باشد، چرا که در غیر این صورت امکان شناسایی و درک آن میسر نمی‌بود. اما به رغم همه‌گیری کل‌کل، تا کنون مطالعه‌ای که به خصوصیات صوری آن بپردازد انجام نگرفته است. هدف اصلی پژوهش حاضر، که بخشی از یک پژوهش درازدامن‌تر درباره کل‌کل است، بررسی ویژگی‌های صوری/ساختاری آغاز کل‌کل کلامی سرگرم‌کننده در برنامه دورهمی است که از شبکه نسیم سیمای جمهوری اسلامی در چهار فصل و بیش از ۳۰۰ قسمت، از اسفند ۱۳۹۴ تا اسفند ۱۳۹۹، پخش شده است. فرض این پژوهش این است که در کنش آغازین کل‌کل و پاسخ به آن، ویژگی‌هایی هست که موجب فعال شدن قاب کل‌کل می‌شود. با این پیش‌فرض بر آنیم که نحوه آغاز قاب کل‌کل را در گفت‌وگوهای بین مجری و مهمانان برنامه دورهمی بررسی نماییم. برای رسیدن به این هدف در پی پاسخ به این پرسش خواهیم بود: نشانگرهای آغاز قاب کل‌کل در برنامه دورهمی چیستند؟ به بیان دیگر، چه مولفه‌هایی در

1. talk
2. talk-in-interaction
3. organization
4. Goffman
5. frame
6. Scheff

پرسش و پاسخ آغازین مجری و مهمانان برنامه دورهمی هست که منجر به فعال شدن قاب کل کل می‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش از روش تحلیل گفت‌وگو^۱ (سکس^۲ و همکاران، ۱۹۷۴؛ شگلوف^۳، ۲۰۰۷) به‌ویژه بررسی کنش آغازین توالی کل کل و پاسخ به آن خواهیم پرداخت.

این پژوهش شکافی را در مطالعات کاربردشناسی زبان فارسی و فرهنگ ایرانی پر می‌کند، چرا که، به رغم رواج کل کل در این فرهنگ، تاکنون مورد توجه زبان‌شناسان، و تا آن‌جا که نگارنده می‌داند، حتی جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان، نبوده است (به استثناء حسینی، ۱۳۹۹). علاوه بر این، نگارنده پژوهشی در مورد قاب‌بندی و نحوه کلیدخوردن یک قاب در فرهنگ ایرانی مشاهده نکرده است. همچنین، با توجه به این که در این پژوهش کل کل در یک برنامه پربیننده تلویزیون بررسی می‌شود نتایج می‌تواند بر یکی از ابعاد نظم اخلاقی^۴ حاکم بر رسانه ملی و بالطبع فرهنگ ایرانی پرتو بیفکند. از آن‌جا که کل کل رفتاری است که اغلب با قضاوت منفی همراه است، بررسی کل کل سرگرم‌کننده می‌تواند جنبه‌های عمومی‌تر هنجارهای تعامل کلامی در فرهنگ ایرانی، به‌ویژه قضاوت ادب و بی‌ادبی (کادار^۵ و ها^۶، ۲۰۱۳) را نیز آشکار کند.

در سایر فرهنگ‌ها، رویه‌های اجتماعی‌ای^۷ هستند که از نظر کارکرد، و احتمالاً ساختار، ممکن است شباهت‌هایی با کل کل داشته باشند. به عنوان نمونه، لباو^۸ (۱۹۷۲) فحاشی دوستانه بین نوجوانان سیاه‌پوست را بررسی می‌کند؛ بکس^۹ و پادموس^{۱۰} (۱۹۸۳) در مورد دوئل کلامی در ادبیات ایسلندی تحقیق کرده‌اند؛ شوپل^{۱۱} (۱۹۹۷) نشانگرهای آغاز و پایان دوئل کلامی بین دانشجویان ساکن یک خوابگاه در ایالات متحده را بررسی می‌کند؛ پالیای^{۱۲} (۲۰۰۹) گزارشی در مورد دوئل کلامی در یک گونه ادبی شفاهی در ایتالیا ارائه می‌کند؛ مورفی^{۱۳} (۲۰۱۵) در مورد شوخی‌های کلامی تحقیرآمیز در میان گروهی از مردان بازنشسته آمریکایی می‌نویسد. اما هیچ کدام از این‌ها را نمی‌توان معادل کل کل در فرهنگ ایرانی دانست. حسینی (۱۳۹۹) تنها پژوهشی است که به بررسی کل کل در فرهنگ ایرانی پرداخته و نشان داده که کل کل یک آیین رابطه‌ای تعاملی است که دارای طرحواره است و در آن مرز بین معمول و نامعمول درنور دیده می‌شود، اما موضوع را از زاویه دید نحوه آغاز و چگونگی فعال شدن قاب کل کل بررسی نمی‌کند.

1. Garfinkel
2. Sacks
3. Schegloff
4. moral order
5. Kádár
6. Haugh
7. social practice
8. Labov
9. Bax
10. Padmos
11. Schwebel
12. Pagliai
13. Murphy

در ادامه، در بخش ۲ ابتدا به معرفی مفاهیم و چارچوب نظری این پژوهش پرداخته و پس از شرح و توصیف روش تحقیق در بخش ۳، در بخش ۴ به بررسی و تحلیل داده‌ها خواهیم پرداخت. بخش ۵ نیز به بخشی درباره رابطه کل کل و نظم اخلاقی خواهد پرداخت و رابطه احتمالی کل کل سرگرم‌کننده و کل کل خصمانه را که بی‌ادبی یا توهین‌آمیز تلقی می‌شود خواهد کاوید. در ۶ نیز به جمع‌بندی و خلاصه نتایج اختصاص یافته است.

۲- مفاهیم نظری

با توجه به این که چارچوب توصیفی این پژوهش تحلیل گفت‌وگو است، پس از معرفی اجمالی این روی‌کرد، به معرفی آن دسته از دست‌آوردهای تحلیل گفت‌وگو که به این پژوهش مربوط می‌شوند، یعنی مفهوم زوج همجوار، طراحی پرسش و طراحی پاسخ خواهیم پرداخت.

۲-۱- تحلیل گفت‌وگو

تحلیل گفت‌وگو رویکردی در جامعه‌شناسی، کاربردشناسی و تحلیل گفتمان است متأثر از نگاه روش‌شناسی قومی^۱ گارفینکل (۱۹۶۷) و دیدگاه‌های گافمن ([۱۹۷۴] ۱۹۸۶؛ ۱۹۸۱) در مورد تعامل کلامی. خاستگاه نظری روش‌شناسی قومی این سوال پایه و کلاسیک جامعه‌شناسی است که ما چه‌گونه می‌توانیم وجود آن‌چه را که «اجتماع» می‌نامیم، یعنی یک سازمان نظاممند و حتی کارکردی که خود را در طول زمان بازتولید می‌کند، توضیح دهیم. پاسخ روش‌شناسی قومی این است که نظم اجتماع را می‌توان از پایین و از دید عضو جامعه یعنی کنشگر اجتماعی شناخت. ما برای عمل به شیوه‌های پذیرفته اجتماع برنامه‌ریزی شده یا شرطی‌شده نیستیم، بلکه کنشگران اجتماعی از این‌که چه چیزی از نظر اجتماعی مناسب است درک خود را دارند و راه‌هایی دارند برای بررسی این درک خود با آن‌چه دیگران درک می‌کنند (تالسن^۲، ۲۰۰۶: ۲۵). طبق آموزه‌های روی‌کرد تحلیل گفت‌وگو، گفت‌وگوهای روزمره برای مشارکان در آن‌ها دارای نظم‌اند و این نظم در دسترس محقق نیز هست و وظیفه تحلیل گفت‌وگو آشکارسازی این دانش در مورد تعامل‌های روزمره و، از طریق آن، شناخت ساختارهای اجتماعی و نحوه عمل‌کرد جامعه است. به تعبیر هریتج^۳ و اتکینسن^۴ (۱۹۸۴):

(۱)

1. ethnomethodology
2. Tolson
3. Heritage
4. Atkinson

«هدف اصلی تحقیقات تحلیل گفت‌وگو توصیف و تحلیل توانش‌هایی است که گویشوران در مشارکت در تعامل‌های فهم‌پذیر و از نظر اجتماعی سازمان‌یافته به کار می‌برند و بر آن تکیه می‌کنند. هدف، در بنیادی‌ترین سطح، توصیف روال‌هایی است که گفت‌وگوگران با آن‌ها رفتار خود را تولید می‌کنند و رفتار دیگران را درک و به آن واکنش نشان می‌دهند».

در پژوهش‌های تحلیل گفت‌وگو نظام نوبت‌گیری^۱، سازمان توالی‌ها^۲، ساختار ترجیحی^۳، سازوکار اصلاح^۴ و چارچوب مشارکت^۵ در کانون توجه محقق قرار می‌گیرند تا بر مبنای آن ساختار اجتماعی بررسی و تحلیل شود (نک: سکس و همکاران ۱۹۷۴؛ هریتیج^۶ ۱۹۸۴؛ هریتیج و کلیمن^۷ ۲۰۱۰؛ شگلایف ۲۰۰۷، ۲۰۱۵؛ کلیفت^۸ ۲۰۱۶). در ادامه به معرفی آن دسته از مفاهیم کلیدی در تحلیل گفت‌وگو خواهیم پرداخت که شاکله اصلی این پژوهش را می‌سازند.

۲-۲- زوج همجوار^۹

یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در تحلیل گفت‌وگو مفهوم «زوج همجوار» است، تا جایی که شگلایف (۲۰۰۷: ۲۷) بر این باور است که همه گفت‌وگوهای طولانی نیز ساخت‌های گسترش‌یافته‌ای هستند که حول یک زوج همجوار پایه شکل می‌گیرند. زوج‌های همجوار از دو کنش ساخته شده‌اند که (الف) همجوار یا مجاور هم هستند، یعنی یکی پس از دیگری می‌آید و وقتی یکی تولید شد انتظار تولید دیگری نیز می‌رود؛ (ب) دو نفر آن‌ها را تولید می‌کنند، یعنی یک نفر نمی‌تواند هر دو را تولید کند؛ (پ) ترتیب مشخصی دارند، یعنی ابتدا جزء نخست و سپس جزء دوم تولید می‌شود و نه برعکس؛ (ت) بین جزء نخست و دوم رابطه وجود دارد، به این معنا که جزء نخست فضایی ایجاد می‌کند که، در حالت عادی، جزء دوم باید آن را پر کند و در همان فضا نیز تفسیر می‌شود (شگلایف، ۲۰۰۷). یعنی، به محض تولید جزء نخست، انتظار می‌رود جزء دوم تولید بشود (چه از نوع مرجح^{۱۰} و چه نامرجح^{۱۱})، چرا که جزء دوم تالی جزء نخست است و تولیدنشدن آن معنادار خواهد بود (ریموند^{۱۲}، ۲۰۱۶). به بیانی دیگر، دو جزء یک زوج همجوار با هم ارتباطی از نوع ارتباط مشروط^{۱۳} دارند. به این معنا که پس از تولید جزء اولی که آغازگر یک توالی است پاسخی از نوعی خاص مرتبط خواهد بود. مثلاً پاسخ یک کنش دعوت یا تعارف کنش‌های پاسخ قبول یا رد دعوت یا تعارف را مرتبط می‌کند. رخداد

1. um-taking
2. sequence organization
3. preference structure
4. repair work
5. participation frame
6. Heritage
7. Clayman
8. Clift
9. adjacency pair
10. preferred
11. dispreferred
12. Raymond
13. conditionally relevant

جزء اول و صرف اول بودن آن جزء دوم را مرتبط و مورد انتظار می‌کند و جزء دوم مشروط به جزء اول است. اگر جزء دوم بعد از جزء اول تولید شد، پاسخی به جزء اول تفسیر می‌شود اما اگر نشد، تولیدنشده آن نیز پاسخی به همان اندازه مرتبط و مهم است: غیبتِ پاسخ «غیبتِ مرتبط^۱» یا «غیبتِ رسمی^۲» محسوب می‌شود (شگلاف، ۲۰۰۷: ۲۰). این نکته نیز مهم است که قواعد ربط شرایط اولیه تولید و تفسیر آن چه در ادامه می‌آید را پدید می‌آورند ولی «تعیین» نمی‌کنند که پس از جزء اول چه چیزی «باید» بیاید. انتظار تولید جزء دوم طبق هنجارهای اجتماعی شکل گرفته است، نه بر اساس یک قاعده دستوری، یعنی این که پرسش نیازمند پاسخ است یا هر «سلام»، نیازمند «علیک» است یک هنجار اجتماعی است نه قاعده دستوری. به گفته شگلاف، «در تعامل‌ها [ی کلامی] عملاً هیچ چیز تا این اندازه یک‌سویه نیست». اما آن چه در جزء دوم انتخاب، انجام و تفسیر می‌شود در ارجاع به جزء اول است. جزء اول شبکه‌ای از معنا و تفسیر را قالب‌بندی می‌کند که بقیه صحبت متأثر از آن است (شگلاف، ۲۰۰۷: ۲۱). به بیان دیگر، کنش‌های اجتماعی زمانی بر ساخته می‌شوند که گوینده‌ها به آن چه که در قالب پاره‌گفته‌هایی شنیده و فهم کرده‌اند پاسخ آنی و بلافصل می‌دهند (بیچ^۳ و میترگر^۴، ۱۹۹۷).

با توجه به این که قاب کل کل اغلب با توالی آغازین پرسش و پاسخ شکل می‌گیرد، در ادامه به مروری بر دست‌آوردهای تحلیل گفت‌وگو در مورد کنش‌های پرسش و پاسخ می‌پردازیم.

۲-۳- طراحی پرسش

در تحلیل‌های سنتی کارکرد پرسش درخواست یا کسب اطلاعات در نظر گرفته شده است اما پرسش محملی است برای انجام و تحقق مجموعه‌ای از کنش‌های اجتماعی (مثلاً کسب یا درخواست اطلاعات، ارائه^۵، نقد/انتقاد و چالش) که هر یک پاسخی را مربوط می‌سازند (لی^۶، ۲۰۱۳). کنشی که یک حرف انجام می‌دهد گاه ریشه در «جایگاه» آن دارد نه در «ترکیب» آن. به عبارت دیگر، معنای یک پاره‌گفته گاه در کلمه‌های آن نیست بلکه در مکان آن پس از یک پرسش دیگر نهفته است (شگلاف، ۲۰۰۷: ۲۰-۲۱). همین امر سبب می‌شود برخی پاره‌گفته‌ها که از نظر ساخت دستوری خبری هستند، پرسش تفسیر بشوند. به بیان دیگر، از نظر شکل دستوری پرسش می‌تواند شکل پرسشی داشته باشد یا نداشته باشد. برای تشخیص پرسش گفت‌وگوگران به سه عامل ساخت دستوری، آهنگ جمله و عدم تقارن معرفتی توجه می‌کنند (کلیمن، ۲۰۰۱). پرسش‌ها محدودیت‌های شکلی^۷ در مورد نوع پاسخ بر پاسخ‌دهنده تحمیل می‌کنند. مثلاً اگر پرسش از «چرا» باشد پاسخ آن نیز به ارائه دلیل محدود می‌شود و اگر پرسش دوقطبی (بله/خیر) باشد پاسخ به تأیید

1. consequentially absent
2. officially absent
3. Beach
4. Metzger
5. offer
6. Lee
7. formal

یا رد محدود می‌شود. علاوه بر این، پرسش‌ها دو برنامه کاری^۱ دیگر نیز دارند یا به بیان ساده‌تر دو کار دیگر نیز می‌کنند: یکی موضوع تعیین می‌کنند و دیگری کنش تعیین می‌کنند یعنی مشخص می‌کنند که گوینده با پرسش چه کاری می‌تواند بکند یا نکند (هایانو، ۲۰۱۳).

محدودیتی که پرسش‌های دوقطبی ایجاد می‌کنند به چند دلیل بیش از محدودیتی است که با پرسش محتوایی (پرسش‌واژه‌ای) ایجاد می‌شود اول، در پرسش‌های دوقطبی پاسخ به یکی از دو قطب تأیید یا رد گزاره سوال محدود می‌شود. دوم، به این دلیل که پرسش‌های دوقطبی به‌ناگزیر در راستای پاسخ بله یا خیر طراحی شده‌اند، سوی‌گیری پاسخ آن‌ها به سمت پاسخ مثبت است. یعنی پاسخ مرجح به آن‌ها پاسخ مثبت است. سوم، طراحی سوال دوقطبی به شکلی است که از نظر ساخت دستوری یکی از دو واژه بله یا خیر، یا مترادف‌های آن‌ها، می‌بایست در پاسخ بیان شود. در نتیجه نوع پاسخی که به این دسته از پرسش‌ها داده می‌شود با خود پرسش محدود شده است (لی، ۲۰۱۳).

عنصر سازنده توالی‌های پرسش-پاسخ عدم‌تقارن در دانسته‌هاست، یعنی شیوه‌های گوناگون طراحی پرسش موضوع‌های معرفتی^۲ متفاوتی را القاء می‌کنند و «موضوع معرفتی‌ای که با شکل‌های مختلف طراحی سوال اتخاذ می‌شود تأثیر معناداری بر نحوه ادامه تعامل دارد» (هایانو، ۲۰۱۳: ۴۰۰). در پرسش‌های دوقطبی از نظر معرفت‌شناسی نیز موضعی پیش‌انگاری می‌شود. با پرسش دوقطبی، پرسش‌کننده از یک سو ادعا می‌کند که در مورد گزاره مطرح شده در سوال اطلاعات ندارد و از سوی دیگر پیش‌فرض می‌گیرد که دریافت‌کننده سوال دانش یا اطلاعات مربوط را در اختیار دارد. علاوه بر این، پرسش‌کننده با پرسیدن سوال بر حق خود بر پرسیدن و دانستن جواب و بر وظیفه پاسخ‌دهنده به ارائه پاسخ صحه می‌گذارد. به عبارت دیگر، هر سوال مشخص می‌کند جایگاه معرفتی پرسش‌کننده و پاسخ‌دهنده و حقوق و الزامات مترتب بر آن‌ها چیست. پرسش‌هایی که به شکل خبری طراحی می‌شوند القا می‌کنند که پرسش‌کننده در مورد موضوع مطلع است و دریافت‌کننده پرسش را به ارائه تأیید دعوت می‌کنند (هایانو، ۲۰۱۳).

۲-۴- طراحی پاسخ و نظام ترجیحات

پاسخ‌دهنده، که با ساختار طراحی پرسش تحت محدودیت‌هایی قرار گرفته و طبق اصول ربط در زوج‌های هم‌جوار موظف به ارائه پاسخ است، انتخاب‌هایی در اختیار دارد و می‌تواند در سطح‌های مختلف واکنش نشان بدهد و پاسخ خود را طراحی کند که هر یک پیامدها و تبعات خاص خود را خواهد داشت. در وهله اول، پاسخ‌دهنده می‌تواند به پرسش جواب کلامی‌ای بدهد که خود می‌تواند پاسخی مرجح یا نامرجح باشد. نظام ترجیحات در پاسخ به این شکل است که: (۱) در جواب یک پرسش، پاسخ دادن بر پاسخ ندادن اولویت دارد، چرا که همان‌گونه که پیشتر گفته شد تولید پرسش پاسخ را مرتبط می‌کند و تولیدنشدن آن معنادار خواهد بود؛ (۲) در مواردی که پاسخ‌دهنده بین دو پاسخ مثبت و منفی امکان انتخاب دارد، تأیید یا پاسخ مثبت بر

1. agenda

2. epistemic stance

پاسخ منفی ترجیح دارد. علاوه بر این، در پرسش‌های دوقطبی پرسش‌کننده اغلب به سمت یکی از گزینه‌ها متمایل است و انتظار پاسخ همگرا بر ناهمگرا مرجح است (هایانو، ۲۰۱۳: ۴۰۵)؛ (۳) پاسخ‌های منطبق با نوع^۱ بر پاسخ‌های نامنطبق^۲ مرجح‌اند. پرسش‌ها دارای پیش‌انگاره‌هایی هستند و هر پاسخ مستقیمی ممکن است این پیش‌انگاره‌ها را با شکل طراحی خود بپذیرد یا نپذیرد. منظور از مطابقت/همخوانی در نوع محدودیت‌هایی است که با انتخاب ساخت دستوری و انتخاب واژه‌های پرسش به پاسخ تحمیل می‌شود. پرسش‌هایی که با پرسش‌واژه‌اند اغلب در پی اطلاعات خاصی هستند و نیازمند پاسخی از جنس خود. در پاسخ‌های منطبق با نوع، پاسخ بله یا خیر به صراحت تولید می‌شود ولی در پاسخ‌های نامنطبق تأیید یا رد به شکل‌های دیگری بیان می‌شود. ریموند (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که پاسخ‌های منطبق با نوع بر پاسخ‌های نامنطبق ترجیح دارند و تولید پاسخ نامنطبق با هدف مقابله با پیش‌انگاره‌های پرسش انجام می‌شود. به بیان دیگر، در پاسخ‌های ناهمخوان که در آن‌ها کلمه‌های بله یا خیر تولید نمی‌شود، نوعی مقاومت در برابر پیش‌انگاره یک پرسش مستور است. به گفته‌هایانو هر چند ریموند این موضوع را صرفاً در مورد پرسش‌های دوقطبی مطرح می‌کند اما در مورد سایر شکل‌های پرسش نیز صادق است و پاسخ آن‌ها می‌تواند همخوان یا ناهمخوان باشد. پرسش‌های دو یا چند شقی^۳، پاسخ را به یکی از دو یا چند شق محدود می‌کنند. پرسش‌های محتوایی یا پرسش‌واژه‌ای نیز بسته به نوع پرسش‌واژه پاسخ را به مکان، زمان، چرایی یا چگونگی و امثال این‌ها محدود می‌کنند و پاسخ منطبق پاسخی است که با فرم پرسش همراستا باشد. علاوه بر این، پاسخ معمول و مورد انتظار به این‌گونه پرسش‌ها یک گروه است و پاسخی که به شکل بند زمان‌دار بیان بشود در برابر بُعد یا ابعادی از پاسخ مقاومت می‌کند و پاسخی ناهمخوان یا نامنطبق است (هایانو، ۲۰۱۳). به بیان دیگر، پاسخ‌های گروه دستوری اغلب پاسخی مستقیم و سرراست می‌دهند هر چند اگر با مکث و پیش‌درآمد بیان شوند احتمالاً نشانه وجود مشکلی در سوال هستند. پاسخی که به شکل بند زمان‌دار و جمله بیان می‌شوند اغلب پاسخ‌های مستقیم و سرراست نیستند (لی، ۲۰۱۳)

پاسخ‌های نامنطبق با نوع، طراحی پرسش را به شکلی و نوعی دارای اشکال می‌بینند و کنشی تولید می‌کنند که در پرسش نیامده و به این ترتیب عاملیتی را بر شرایط پرسش اعمال می‌کنند و به این وسیله در برابر شرایط ایجادشده در سوال مقاومت می‌کنند. خود این مسأله ممکن است سبب بسط توالی^۴ بشود- برعکس پاسخ‌های منطبق با نوع که توالی را به سمت پایان می‌برند (لی، ۲۰۱۳).

نوع دیگری از پاسخ جایگزین آغاز یک توالی جدید است که با پاسخ برگردان^۵ انجام می‌شود. در برگردان، که اغلب، اما نه همیشه، به شکل پرسش متقابل انجام می‌شود، نقش برگردان به تعویق انداختن پاسخ سوال نیست (هر چند کسی که پرسش متقابل می‌پرسد ممکن است در نهایت پاسخ سوال را بدهد). نقش اصلی

-
1. type conformity
 2. non-conformity
 3. alternative questions
 4. Sequence extension
 5. counter

برگردان‌ها جایگزین کردن پرسش نفر اول با سوال خودشان و، در نتیجه، تغییر دادن جهت و جریان توالی و «معکوس کردن جهت محدودیت» است (شگلاف، ۲۰۰۷: ۱۷). همان‌طور که پیشتر گفته شد، کنش نخست یا جزء نخست زوج همجوار فضای خالی‌ای در تعامل ایجاد می‌کند که (در حالت بهینه) می‌بایست با جزء دوم پر و تفسیر بشود. به بیانی دیگر، جزء اول زوج همجوار محدودیت‌های قوی‌ای اعمال می‌کند بر نوع کنشی که گیرنده جزء اول انجام خواهد داد و تفسیری که از آن کنش خواهد شد (شگلاف، ۲۰۰۷: ۲۱). در پاسخ برگردان یا پرسش متقابل معکوس شدن جهت محدودیت به این شکل است که چون پرسش‌کننده خود در موضع پرسش‌شونده یا پاسخ‌دهنده قرار می‌گیرد، دچار محدودیتی در نوع پاسخ خود می‌شود-محدودیتی که طبق اصل ربط به او تحمیل می‌شود و اگر پاسخ ندهد معنادار خواهد بود.

در نهایت، جواب پرسش می‌تواند به شکل غیرکلامی یعنی با تکان دادن سر به علامت تأیید یا رد، بالانداختن شانه‌ها یا ابروها، چشمک زدن و امثال این‌ها. از آن‌جا که این پاسخ غیرکلامی با چشم مشاهده‌پذیر است پاسخ مرئی^۱ نیز نامیده می‌شود. سرعت این دسته از پاسخ‌ها بیش‌تر از پاسخ‌های کلامی است اما از بسامد پایین‌تری نسبت به جواب کلامی برخوردارند و ممکن است با پاسخ کلامی نیز همراه بشوند (لی، ۲۰۱۳).

نتیجه این که پرسش ابزار قدرتمندی است برای کنترل تعامل. کنترل تعامل از طریق اعمال محدودیت‌های مختلفی صورت می‌گیرد که پرسش بر پاسخ‌دهنده تحمیل می‌کند. این محدودیت‌ها با پیش‌انگاره‌ها، و با تعیین برنامه‌کاری و همچنین از طریق سازمان ترجیحات تحمیل می‌شوند (هایانو^۲، ۲۰۱۳: ۴۰۱). پاسخ‌دهنده که با طراحی پرسش دچار محدودیت‌هایی شده ممکن است در مدیریت برتری معرفتی و حقوقی که در پرسش از او انتظار می‌رود در چارچوب و محدودیت‌هایی که پرسش ایجاد کرده دچار مشکل بشود. هر چند اغلب پاسخ‌دهنده‌ها موضع تعیین‌شده در پرسش را می‌پذیرند اما می‌تواند به برنامه و پیش‌فرض‌های پرسش تن بدهد و یا می‌تواند به شکل‌ها و درجات مختلف در برابر محدودیت‌های پرسش مقاومت کند (لی، ۲۰۱۳).

در ادامه، پس از معرفی روش کار ابتدا به بررسی سه نمونه پرسش و پاسخ در برنامه دوره‌می می‌پردازیم که منجر به کل‌کل نمی‌شوند و سپس به بررسی طراحی پرسش و پاسخ در توالی‌های آغازین کل‌کل در برنامه دوره‌می می‌پردازیم.

۳- روش تحقیق

با توجه به این‌که کل‌کل آیینی رابطه‌ای است که به مکان و زمان خاصی محدود است (حسینی، ۱۳۹۹) امکان گردآوری داده از کل‌کل‌های روزمره بین افراد عادی وجود ندارد. همچنین، از آن‌جا که قاب‌ها غیرمستقیم نشان‌گذاری می‌شوند، افراد حاضر در تعامل به‌طور معمول نامی بر آن‌ها نمی‌گذارند و اگر بگذارند

1. visible response

2. Hayano

این کار قاب دیگری را برمی‌انگیزاند. به عبارت دیگر، «وقتی همه چیز خوب و عادی باشد، قاب‌ها کارشان را بدون جلب توجه و بی‌نام انجام می‌دهند» (تانن^۱، ۱۹۸۶: ۸۵). لذا داده‌های پژوهش حاضر را تمامی موارد کل‌کل بین مجری و مهمانان برنامه دورهمی که در آپارات و یوتیوب تحت عنوان «کل‌کل» هم‌رسانی شده‌اند می‌سازد. برنامه دورهمی در چهار فصل و طی مدتی حدود ۴ سال در بیش از سیصد قسمت پخش شده و از آن‌جا که زبان بخش گفت‌وگویی در آن خودکار است و مهمانان برنامه نیز متنوع هستند، زبان تولیدشده در بخش گفت‌وگویی طبیعی است، یعنی متن نوشته‌ای ندارد که از قبل آماده شده باشد. دلیل این‌که نمونه‌ها بر مبنای هم‌رسانی فایل‌ها با عنوان کل‌کل انتخاب شده‌اند این است که از تحمیل نگاه نظری پژوهشگر پرهیز شود و داده‌هایی تحلیل و بررسی شود که مبتنی بر شمّ گویشوران عادی‌ای باشد که زبان و پدیده‌های اجتماعی را مستقیم و بی‌واسطه نظریه‌های علمی تجربه و زیست می‌کنند (برای بحث مفصلی در این مورد نک: ایلن^۲، ۲۰۰۱).

گفت‌وگوهای بارگیری شده ابتدا ترانویسی شد. در ثبت و ترانویسی مکالمه‌ها علاوه بر استفاده از روش‌های مرسوم ترانویسی که در پژوهش‌های تحلیل گفت‌وگو به کار می‌روند (مثلاً جفرسن^۳ ۱۹۸۴؛ پساتاس^۴ ۱۹۹۵؛ اتکینسن و هریتج ۱۹۸۴؛ تین هاوه^۵ ۲۰۰۷) با توجه به ویژگی‌های خط فارسی از افزوده‌ها و تغییراتی که حسینی (۱۳۹۶، ۱۳۹۹) به کار برده نیز استفاده شد. راهنمای ترانویسی در ضمیمه آمده است. نکته قابل ذکر این‌که با توجه به ماهیت پژوهش، در گزارش پیش رو، صرفاً به ثبت جزئیاتی اکتفا شده که به کار پژوهش حاضر می‌آیند. در مرحله بعد، ساختار و ویژگی‌های طراحی پرسش اول و پاسخ به آن و نحوه ربط آن با پرسش بررسی گردید. در این کار از دست‌آوردهای روی‌کرد تحلیل گفت‌وگو درباره طراحی پرسش و طراحی پاسخ که خلاصه‌ای از آن در بخش ۲ آمده استفاده گردید. فایل کامل هر قسمت از برنامه که کل‌کل در آن رخ داده بود و همچنین ده‌ها قسمت دیگر از برنامه نیز مشاهده شد تا از روند گفت‌وگو و نحوه تعامل بین مجری و مهمانان نیز آگاهی‌هایی کسب گردد.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در دورهمی کل‌کل قاب اصلی^۶ نیست. قاب اصلی برنامه، همچون سایر برنامه‌های گفت‌وگومحور تلویزیون واقعیت‌نما، گفت‌وگوی اطلاع‌رسان همراه با سرگرمی در مورد زندگی شخصی و کاری مهمان برنامه است. اصولاً کل‌کل به این دلیل که آیین رابطه‌ای تعاملی است (حسینی، ۱۳۹۹) نمی‌تواند قاب اصلی باشد، چرا که آیین‌های تعاملی در بخش‌های کوتاهی از یک تعامل طولانی‌تر شکل می‌گیرند. فرایند قاب‌سازی یا فعال‌سازی قاب علاوه بر کلمه‌ها و جمله‌ها و موضوع‌ها، با نشانه‌هایی مثل زیروبمی صدا، آهنگ کلام،

1. Tannen
2. Eelen
3. Jefferson
4. Psathas
5. Ten Have
6. primary frame

حالات چهره و میمیک صورت انجام می‌گیرد (تانن، ۱۹۸۶: ۸۳) و از آن‌جا که کل‌کل در دوره‌می ماهیت شوخی و سرگرمی دارد اغلب با لبخندها، خنده‌ها و قهقهه‌های مجری، مهمان یا تماشاچیان همراه است که در متن ترانویسی شده چندان قابل مشاهده نیست. تغییر قاب در برنامه دوره‌می اغلب پس از پایان آشکار موضوع قبل، که می‌تواند احوال‌پرسی یا هر موضوع دیگری باشد، با مکث کوتاه مجری، کلمه «خُب» یا سایر نشان‌گرهای مکث مثل «!»:» که نشان می‌دهد مجری دارد فکر می‌کند چه بپرسد یا چگونه بپرسد انجام می‌گیرد. در اغلب موارد تغییر موضوع با تغییر حالت بدن مجری نیز همراه است.

از مجموع ۱۷ مورد کل‌کل بررسی شده ۵ مورد در مورد سن و سال، ۲ مورد درباره عاشق شدن، ۲ نمونه درباره دلیل جذابیت فوتبال، ۲ نمونه در مورد هدیه به برنامه دوره‌می، ۲ مورد درباره سختی بازیگری، و موضوع‌های ترس از آسانسور، مهارت آشپزی، مهارت شطرنج و مهارت مجریگری هر کدام یک بار موضوع کل‌کل بوده‌اند.

در ادامه این جستار ابتدا به بررسی چند نمونه از پاسخ‌هایی می‌پردازیم که منجر به کل‌کل نشده‌اند چرا که تنها در پرتو پاسخ معمول است که می‌توان پاسخ نامعمول را که به فعال‌شدن قاب کل‌کل و تعریف موقعیت به عنوان کل‌کل می‌انجامد درک کرد. به این منظور، با توجه به این‌که موضوع سن پرتکرارترین موضوع برای کل‌کل بوده است (واکنش چند نفر از مهمانان نیز نشان‌دهنده این موضوع است، مثلاً آزاده صمدی در قسمت ۹۵ از فصل ۱، به محض پایان احوال‌پرسی می‌گوید «سی و شیش سالمه»)، یک نمونه از پاسخ‌های به این پرسش و یک نمونه در مورد عشق و یک نمونه در مورد جذابیت فوتبال، که منجر به کل‌کل نمی‌شوند بررسی می‌کنیم. در بخش بعد به بررسی جزء اول یا پاره‌گفته آغازین کل‌کل و پاسخ آن می‌پردازیم و می‌کشیم به این پاسخ دهیم که چه چیزی در طراحی پرسش و پاسخ هست که احتمالاً یا بالقوه موجب فعال شدن قاب کل‌کل می‌شود. به عبارت دیگر، چه چیزی در این توالی هست که سبب شده قاب کل‌کل در ذهن دو طرف گفت‌وگو فعال بشود؟

۴-۱- پاسخ هنجارین

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد در این بخش به بررسی چند پاسخ به سوال‌های محبوب مجری که منجر به شکل‌گیری کل‌کل نشده‌اند می‌پردازیم. در گفت‌وگوی با احمد نجفی، مجری و بازیگر ۷۲ ساله، مدیری پس از پایان احوال‌پرسی، مستقیم می‌رود سراغ سوال مربوط به سن:

نمونه ۱: گفت‌وگو با احمد نجفی در مورد سن (قسمت ۱۵، فصل ۳)		
مدیری: !::: بریم اول سر یک نکته‌ای که تولد هست. می‌گین چند سال‌تونه یا	جزء ۱	۱
بگم؟ هههههه		۲
تماشاچیان: هههههه	جزء ۲	۳
نجفی: نه خو::دم میگم		

مجری ابتدا با یک مکث («!:::»)، که نشانه تغییر موضوع از احوال‌پرسی است، و عبارت مقدمه‌ای (بریم اول سر یک نکته‌ای که تولد هست) سوال خود را به شکل یک پرسش دوشقی طراحی می‌کند و در پایان آن می‌خندد و تماشاگران نیز می‌خندند. پرسش دوشقی مهمان را محدود به دو گزینه می‌کند که گزینه پنهان ماندن سن جزو آن‌ها نیست. به بیان دقیق‌تر، در پرسش این پیش‌فرض نهفته است که مجری پاسخ را می‌داند و انتخاب مهمان تنها این است که چه کسی اطلاعات را فاش کند. این شکل از طراحی پرسش محدودیت فراوانی برای مهمان ایجاد می‌کند و احتمالاً همین محدودیت زیاد سبب خنده حاضران در سالن شده باشد. مهمان در سطر ۳ با جمله «نه خو::دم می‌گم»، و بیان کشیده و بلندتر «خو::دم» طوری نشان می‌دهد که از بیان سن واقعی خود واهمه‌ای ندارد، که خود آن بخش از نظام انتظارات فرهنگ ایرانی را که طبق آن افراد گاه سن واقعی خود را پنهان می‌کنند فعال می‌کند، اما با پاسخ خود هم موضوع پرسش و هم محدودیت آن را می‌پذیرد و، پس از یک بسط درونه‌ای^۱ (شگلاف، ۲۰۰۷)، در چند سطر بعد سال تولد خود را بیان می‌کند. بدین ترتیب، مهمان با پذیرفتن موضوع و برنامه کاری پرسش و دادن پاسخ مرتبط و تولید جزء دوم زوج همجوار، تعاملی را که بالقوه می‌توانست آیین کل‌کل را کلید بزند، تبدیل به یک گفت‌وگوی عادی می‌کند.

در نمونه ۲، در گفت‌وگو با ابوالحسن تهامی، صدایشه پیش‌کسوت سینما و تلویزیون، ۸۰ ساله، در طرح پرسش «عاشق شده‌ین» مجری پس از مکثی که نشانه تغییر موضوع است، مهمان را مستقیم خطاب قرار می‌دهد و پس از مکثی کوتاه و بیرون دادن نفس، پرسش محبوب خود را به شکل یک پرسش دوقطبی می‌پرسد و منتظر پاسخ می‌ماند، یعنی نوبت را واگذار می‌کند.

نمونه ۲: ابوالحسن تهامی (قسمت ۳۵، فصل ۳)		
مدیری: !:: آقای تهامی (.) ((نفس بیرون می‌دهد)) عاشق شده‌ین؟	جزء ۱	۱
تهامی: آ:: هههههه (.) البته.	پاسخ نشان‌دار	۲
مدیری: بله (.) ما گوش میدیم	←	۳
تهامی: هههههههه! ولی خب () !:: !ممم (۲) عشق (۱) گاه (.) خوب است که (.) در پشت پرده باشد	پاسخ نامرجع	۴
مدیری: (۱) چشم ((دست بر سینه می‌گذارد و سر خم می‌کند))	←	۵
((۱۱ ثانیه تشویق تماشاگران))		۶
مدیری: چشم (.) پس یه ذره می‌رم جلوتر (۱) فرزند دارین؟		۷

تهامی ابتدا با «آ::» پاسخ را به تأخیر می‌اندازد و پس از خنده و مکثی کوتاه جواب می‌دهد «البته». مرتبط‌ترین پاسخ منطبق با نوع به پرسش مجری، پاسخی می‌بود که با «بله» یا هم‌معناهای آن آغاز شود، اما پاسخ «البته» پاسخی است تأییدی اما نه از نوع منطبق با نوع بلکه از نوع نشان‌دار، یعنی کلمه «بله» که پاسخ مرجح است تولید نشده است. در پاسخ با «البته» یکی از پیش‌انگاره‌های اصلی مستور در پرسش دوقطبی به چالش کشیده شده و رد می‌شود. توضیح این‌که، در پرسش دوقطبی این پیش‌انگاره مستور است که هر یک از دو گزینه بله یا خیر می‌تواند درست باشد و اگر پاسخ منطبق با نوع داده شود، این پیش‌انگاره تأیید می‌شود. اما با پاسخ «البته» بدیهی بودن یک پاسخ تأیید می‌شود و دیگری رد می‌شود و از این لحاظ، پاسخ تأیید نشان‌دار محسوب می‌شود (در این مورد نک: استیورز، ۲۰۱۱). صرف پاسخ «البته» تأییدی است بر طراحی سوال و رد پیش‌انگاره آن، اما ندادن توضیح یا اطلاعات بیشتر، و تأخیر طولانی و مکث قبل از پاسخ احتمالاً نشانه این است که مهمان برنامه موضوع سوال را نادرست یا نامناسب می‌داند، گویی می‌خواهد بگوید «چو دانی و پرسى سواست خطاست».

مدیری در نوبت بعد (سطر ۳) با گفتن «بله (.) ما گوش میدیم» به نوعی سوال آغازین خود را تکرار و درخواست اطلاعات بیشتر می‌کند. این جمله خبری پرسش برای کسب اطلاعات بیشتر تفسیر می‌گردد. سپس در سطر ۴ مهمان برنامه ابتدا با خنده و سپس با مکث بسیار بین کلمه‌ها، که حکایت از یک پاسخ نامرجح دارد، با جمله خبری‌ای که در قالب یک قاعده کلی و نه یک نظر شخصی بیان شده از مجری درخواست می‌کند که وارد جزئیات نشود. مدیری در سطر ۵ پس از یک ثانیه مکث «چشم» می‌گوید و به نشانه احترام دست بر سینه می‌گذارد و سر خم می‌کند و به این شکل از ادامه موضوع پرهیز می‌کند.

تفاوت شیوه صحبت مجری با مهمان از همان جمله اول و خطاب با نام و مکث و بیرون دادن نفس نیز آشکار است چرا که در سایر موارد، به‌ویژه در آن‌ها که منجر به کل‌کل می‌شوند، مجری قبل از پرسش «عاشق شده‌ین؟» مهمان را مورد خطاب با نام قرار نمی‌دهد یا نفسش را بیرون نمی‌دهد-گویی که کار سختی در پیش دارد.

در نمونه ۳، گفت‌وگو با جواد کاظمیان، فوتبالیست سی و نه ساله، مجری پرسشی را می‌پرسد که در فصل‌های قبل از رضا جاودانی و عادل فردوسی‌پور پرسیده و موجب شکل‌گیری کل‌کل شده است و گفت‌وگو به شکل زیر ادامه می‌یابد:

نمونه ۳: جواد کاظمیان (قسمت ۷۵، فصل ۴)		
۱	جزء ۱	مدیری: چرا فوتبال؟ این همه ورزش هست
۲		کاظمیان: بله
۳		مدیری: جان
۴		کاظمیان: آه () و آه آقای مدیری فوتبال همم (۱) الان که دیگه شده صنعت. قبلا

ورزش بود ولی تمام دنیا فوتبال به نظر من داره دنیا رو می چرخونه الان تو این سه ماه کرونا فوتبال نبود چه تو ایران چه تو کشوری اروپایی اصن انگار همه چی تعطیله	←	۵
مدیری: بله		۶
کاظمیان: اصن انگار دنیا وایستاده بود به نظر من و من خودمم تعجب می کنم که چرا فوتبال نسبت به بقیه ورزشا اولاً چون فوتبال یه ورزش گروهیه و اون جذابیتی داره اون غیرقابل پیش بینی پیش بینی بودن فوتبال باعث می شه که مردم عاشق فوتبال باشن	جزء ۲	۷ ۸ ۹ ۱۰

در این نمونه مثل نمونه های قبل، تغییر موضوع با نشانگر تأخیر «:» علامت گذاری می شود و مجری پرسش محتوایی از نوع «چرا؟» می پرسد و یک جمله توضیحی اضافه می کند. مهمان برنامه ابتدا با «بله» جواب می دهد که با توجه به این که طبق قواعد ربط به هیچ وجه با نوع سوال همخوانی ندارد، نوعی مکث یا تأخیر در پاسخ محسوب می شود-گویی که می خواهد بگوید «بله، سوال خوبی است» تا زمان بخرد. مدیری با گفتن «جان» در سطر ۴، بر انتظار پاسخ تأکید می کند. مهمان برنامه در سطر ۴ پاسخ خود را با «وآلاً» و خطاب مستقیم مجری و مکث مجدد آغاز می کند و در ادامه پاسخی طولانی می دهد که محدودیت پرسش را در مورد «چرایی» برآورده نمی کند و در نهایت پس از آن که در نیمه سطر ۸ اذعان می کند که پاسخی ندارد («و من خودمم تعجب می کنم که چرا فوتبال نسبت به بقیه ورزشا»)، در ادامه همان سطر و سطر ۹ دلایلی احتمالی برای محبوبیت فوتبال بیان می کند. ادامه گفت و گو نیز به همین منوال پیش می رود. معنای این شیوه پاسخ، یعنی پاسخ با مکث، خطاب قراردادن مستقیم مجری و پاسخ های طولانی، این است که مهمان پرسش آغازین را درخواست اطلاعات تفسیر نموده، نه چالش یا انتقاد.

همان گونه که ملاحظه می شود، در نمونه های فوق، پاسخ دهنده در برابر پرسش طرح شده پاسخی از جنس جزء دوم زوج همجوار تولید می کند، یعنی پاسخی می دهد که طبق قواعد ربط مرتبط محسوب می شود، چه این پاسخ مرجح باشد و چه نامرجح. در ادامه به بررسی پرسش ها و پاسخ هایی می پردازیم که موجب فعال شدن قاب کل کل شده اند.

۴-۲- پرسش و پاسخ آغازین در کل کل

در بسیاری از کل کل ها اتفاقی که می افتد این است که تولیدکننده جزء دوم، به جای دادن پاسخی متناسب با جزء اول، پاسخی می دهد که پرسشگر را در موضع پاسخ دهنده قرار می دهد. یعنی مهمان برنامه یا مجری به جای تولید جزء دوم زوج همجوار، که در حالت عادی پاسخ مستقیم به پرسش است، آن جزء را تولید نمی کند

بلکه به جای آن پاسخ برگردان^۱، تولید کند، یعنی به‌جای پاسخ، پرسشی می‌پرسد که مجری را در موضع پاسخ‌دهنده قرار دهد. در زیر نمونه‌هایی از این نوع پاسخ بررسی می‌شوند:

نمونه ۴: کل کل با محمدرضا شریفی‌نیا (فصل ۳، قسمت ۱)		
مدیری: خب، عاشق شده‌ی؟	۰۱	
شریفی‌نیا: شما خودت عاشقی؟ شده‌ی؟	۰۲	پرسش متقابل ←

در این نمونه، مجری پس از مکثی کوتاه، که حکایت از تغییر موضوع دارد، پرسشی از نوع بله/خیر می‌پرسد و پاسخ مرتبط منطبق با نوع آن می‌بایست با «بله» یا «خیر» شروع بشود. پاسخ مرجع به آن نیز می‌بایست مثبت باشد چرا که پیش‌فرض مثبت در آن نهفته است. اما مهمان برنامه به‌جای تولید جزء دوم زوج هم‌جوار پاسخی از نوع خود پرسش می‌دهد، یعنی پرسش متقابل می‌پرسد. در نمونه ۵ مجری ابتدا پرسش محتوایی (پرسش‌واژه‌ای) محبوب خود را می‌پرسد و سپس با جمله امری «بگین» این بخش از انتظارات نظم اخلاقی را که خانم‌ها سنان را نمی‌گویند فعال می‌کند.

نمونه ۵: کل کل با فلورا سام (فصل ۴، قسمت ۵۱)		
مدیری: چند سالتونه؟ بگین.	۰۱	
فلورا سام: من بگم یا شما بگین؟	۰۲	پرسش متقابل ←

مهمان برنامه با پاسخی از نوع پرسش متقابل دوشقی، محدودیت ایجادشده را به سمت مجری برمی‌گرداند که خود موجب شکل‌گیری توالی جدیدی می‌شود بر سر این که چه کسی ابتدا درباره سنان بگوید.

در نمونه ۶ مجری با پرسشی از «چرایی» فراگیری فوتبال که لحنی گلایه‌آمیز دارد این پیش‌فرض را القاء می‌کند که «همه زندگی شده فوتبال و نباید می‌شد»:

نمونه ۶: کل کل با رضا جاودانی (فصل ۱، قسمت ۷۹)		
مدیری: چرا همه زندگی مون شده فوتبال؟	۰۱	
رضا جاودانی: باید چی بشه پس؟	۰۲	پرسش متقابل ←

مهمان برنامه در پرسش متقابل خود این پیش‌فرض را نه تنها تأیید می‌کند بلکه، با بکارگیری «پس» در انتهای جمله خود، بر درستی آن صحنه می‌گذارد و در حقیقت همزمان که با لحن انکاری مجری مخالفت می‌کند، از او می‌خواهد جایگزینی برای فوتبال ارایه دهد. این کار سبب می‌شود مدیری مجبور به پاسخ‌گویی بشود و از نظر خود که به شکل تلویحی بیان کرده بود دفاع کند.

در نمونه ۷، پرسش مجری از نوع پرسش‌واژه‌ای و درخواست اقدام و کنش است و به‌گونه‌ای طراحی شده که مهمان اگر بخواهد پاسخ مرتبط بدهد یا باید بگوید «هیچ» (پاسخ نامرجح) و یا باید وعده دادن هدیه‌ای به برنامه بدهد:

نمونه ۷: کل کل با سمانه پاکدل (فصل ۲، قسمت ۵)		
مدیری: این: به موزه دورهمی چی می‌دی؟	۰۱	
سمانه پاکدل: عیده شما عیدی نمی‌دین؟	۰۲	پرسش متقابل ←

پاسخ سمانه پاکدل به سوال مجری با جزء دوم برگردان آغاز می‌شود و درخواست از مجری برای اقدامی مشابه آن‌چه در پرسش آمده است، یعنی از مجری می‌خواهد کنشی انجام بدهد (عیدی بدهد). درخواست مهمان، مجری را طبق قواعد ربط در موقعیت پاسخ‌دهنده قرار می‌دهد و پاسخی از نوع پرسش متقابل یا پاسخ برگردان است. پاسخ مرتبط به پرسش مجری می‌توانست وعده دادن شیئی باشد.

هیچ‌یک از این پرسش‌ها و پاسخ‌های فوق با خطاب مستقیم‌گیرنده پرسش، مکث، ارایه دلیل یا سایر عناصر معمول در پاسخ‌های نامرجح تولید نشده‌اند. به عبارت دیگر، در همه مواردی که مهمان یا میزبان در پاسخ به یک سوال به جای تولید جزء دوم، از پرسش متقابل استفاده می‌کند، پرسش مجری و پاسخ برگردان مهمان به همان صراحت و کوتاهی پرسش اولیه است. تنها مورد استثنا که در آن از ابزارهای تعدیل^۱

1. mitigation

(نک: فلورس-فران^۱، ۲۰۲۰) استفاده شده و جمله پاسخ برگردان در وجه پرسشی نیست پاسخ وزیر وقت مخابرات است که در نمونه ۸ گزارش شده است:

نمونه ۸: کل کل با آذری جهرمی (فصل ۳، قسمت ۳۲)		
مدیری: عاشق شده‌ین؟	پاسخ برگردان	۰۱
آذری جهرمی: من اجازه می‌خوام این سوال از شما بپرسم اگه اشکال نداره. همه‌ش شما پرسیدین	←	۰۲

پاسخ وزیر از نوع پاسخ برگردان است چرا که پرسشی که مدیری پرسیده را به سمت او برمی‌گرداند و او را در موضع پاسخ‌دهنده قرار می‌دهد اما نه با یک جمله پرسشی بلکه به شکل یک درخواست با جمله خبری، از نوع تعدیل‌شده و فروتنانه («من اجازه می‌خوام» و «اگه اشکال نداره») و با ارائه دلیل («همه‌ش شما پرسیدین»). مجموعه این تعدیلگرها از نیروی کنش پاسخ برگردان می‌کاهد و آن را بیشتر شبیه به مصاحبه خبری می‌کند (نک: فرنیا و عابدیان، ۱۳۹۹) تا گفت‌وگوی سرگرم‌کننده، چرا که در مصاحبه‌های خبری ابراز فروتنی در برابر مصاحبه‌کننده اغلب پیش از تغییر برنامه کاری سوال رخ می‌دهد (نک: کلیمن، ۲۰۰۱). این شیوه با توجه به جایگاه مهمان به عنوان وزیر مستقر، بیشتر مورد انتظار است و این انتظارات را با شرایط موقعیتی که در آن قرار گرفته (یعنی یک برنامه طنز سرگرم‌کننده) تطبیق می‌دهد و ملغمه‌ای جدید ایجاد می‌کند که موجب آغاز توالی کل کل می‌شود. در هر حال، پاسخ برگردان مهمان به پرسش بله/خیر مجری موجب ایجاد توالی کل کل شده است، هر چند به دلیل همین زبان تلطیف‌شده می‌توان آن را یک «کل کل بی‌رمق» ارزیابی کرد که هیجان و نشاط برخی دیگر کل کل‌ها را ندارد.

تنها در دو مورد (نمونه‌های ۹ و ۱۰) کل کل بر سر موضوعی شکل می‌گیرد که مهمانان برنامه پیش می‌نهند و مجری با پرسش متقابل کل کل را کلید می‌زند. در گفت‌وگوی با پانته‌آ بهرام و پژمان بازغی (هر دو بازیگر) مهمانان برنامه در همان آغاز گفت‌وگویشان و پیش از آن که مجری سوالی بپرسد به ادعای مدیری در برنامه‌ای دیگر در مورد سخت‌نبودن حرفه بازیگری واکنش نشان می‌دهند:

نمونه ۹: کل کل با پانته‌آ بهرام (فصل ۳، قسمت ۴۷)		
بهرام: سوال اول اینه که چرا می‌گین بازیگری آسونه؟ ((با لحن انکاری))	توالی درونه‌ای	۰۱
مدیری: (۴) ((پس از سکوت با قیافه مبہوت سر تکان می‌دهد))		۰۲
بهرام: هه‌هه‌هه‌هه		۰۳
مدیری: آها من .. من چرا سوال کردی از من؟		۰۴

1. Flores-Ferrán

۰۵	پرسش	بهرام: بله من از شما پرسیدم. چرا می‌گین باز یگری آسونه؟
۰۷	متقابل ←	مدیری: خیلی توضیح داده‌م آخه کدوم بخشش؟ سخته؟

در نمونه ۹، بهرام بدون این که منتظر بماند تا مجری موضوع را طرح کند خود طرح موضوع می‌کند. مجری که گویا از این آغاز ناگهانی یکه خورده چهار ثانیه واکنشی از خود نشان نمی‌دهد و سکوت او موجب خنده مهمان می‌شود. سپس مجری که تازه متوجه شده چه اتفاقی افتاده است برای اطمینان از این که مورد خطاب پرسش قرار گرفته پرسشی می‌پرسد و مهمان تأیید می‌کند که پرسشی طرح کرده و سواش را تکرار می‌کند. سکوت مجری تا تکرار پرسش در سطر ۵، یک توالی بسط درونه‌ای است که در خدمت درک پرسش آغازین کل کل است (نک: شکلاف، ۲۰۰۷). پس از شفاف شدن مسأله، مجری در سطر ۷ به جای ارائه دلایل ادعایش، یعنی به جای تولید جزء دوم زوج همجوار، ابتدا تصریح می‌کند که راجع به نظر خود به اندازه کافی توضیح داده است و سپس دو پرسش می‌پرسد که یکی پرسش‌واژه‌ای است و از مهمان می‌خواهد بگوید که کدام بخش ادعایش غلط است و دومی یک سوال بله/خیر است و با این دو سوال مهمان را در موضع پاسخ‌دهنده قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، مجری در برابر برنامه کاری‌ای که مهمان با پرسش آغازین خود تعیین کرده بود با پرسش متقابل مقاومت می‌کند و این کار توالی کل کل را رقم می‌زند.

در دومین موردی که فردی غیر از مجری موضوع تعیین می‌کند (نمونه ۱۰) مهمان، در همان آغاز، به صحبت پیشین مجری در مورد سخت‌نبودن بازیگری واکنش نشان می‌دهد ولی قبل از پایان پاره‌گفته آغازین خود ابتدا پیشابسطی^۱ تولید می‌کند (سطرهای ۱ و ۳) که نقش آن ایجاد حس همبستگی و نوعی کار وجهه (گافمن، ۱۹۶۷) است و سپس مجدد جمله آغازین خود را به شکل پاسخ و نقدی بر نظرات مدیری بیان می‌کند (سطرهای ۶ تا ۲۰) و مجری نیز شنونده است:

نمونه ۱۰: کل کل با پژمان بازغی (فصل ۳، قسمت ۳۴)		
۰۱	پیشابسط	بازغی: شما تو برنامه دورهمی (.) ما از اون خانواده‌هاش هستیم که دورهمی می‌بینیم تلویزیونم می‌بینیم =
۰۲		مدیری:
۰۳		متشکرمتشکر
۰۴		بازغی: =چون بعضیا می‌گن ما اصن تلویزیون نمی‌بینیم هه هه هه ولی ما می‌بینیم و خیلی هم اتفاقا برنامه شما رو دوست داریم
۰۵		مدیری: مرسی
۰۶		بازغی: من تو برنامه شما دیدم گاهای دوستان ما اومدن شما گفته‌ید که بازیگری
۰۷		
۰۸		

کار سختی نیست (.)؛ سختی کار رُ من به چیزی می‌بینم (.) ببخشید نقل قول دارم	۰۹
عرض می‌کنم	۱۰
مدیری: خواهش می‌کنم	۱۱
بازغی: سختی کار از نظر من کاری‌ست که همواره سخت باشد به نظر من بازیگری	۱۲
یکی از سخت‌ترین کارهای دنیاست برای این که ابزاری رُ که یک بازیگر باهاش کار	۱۳
می‌کنه عواطف و احساساتشه و سخت‌ترین چیز اینه که تو همواره مثلاً در طول	۱۴
سال در طول یک پروژه هی با این آدمه کلنجار می‌ری هی شبیه اون آدمه میشی	۱۵
بعضی اوقات مثلاً واقعاً خانواده من به سطوح میان از این قضیه که مثلاً قراره نقش	۱۶
یک دزد رو بازی کنم یک لات رو بازی کنم سیبل دارم شکل اون می‌شم اصن	۱۷
رفتارم عوض می‌شه ناخودآگاه آدمه تشبیهی که من می‌کنم از بازیگری بدم نیست	۱۸
که دوستانی که علاقه‌مند هستن بشنون من می‌گم بازیگر م‌ت یه بطری آب زلاله و	۱۹
اگر قراره هر نقشی رو بازی بکنه یک بخشی از اون خاک نقش رو می‌ریزه تکون	۲۰
می‌ده شبیه اون نقش می‌شه به مرور که اینو می‌ذاری کنار آب زلال می‌شه ولی	۲۱
همیشه ته‌نشین داریم ینی از نقش‌های مختلف همیشه همراه من هست به همین	پرسش متقابل ←
دلیل بیشترین بیماری شایع بین بازیگرها آلزایمره و این که شخصیتشون دچار تزلزل	
می‌شه و من فکر می‌کنم به این دلیل که بازیگری یکی از کارهای سخت دنیاست و	
نه به لحاظ فیزیکیال ممکنه بعضی اوقاتم سر صحنه ما چرتم بزنیم به قول شما بریم	
یه مال خریدی‌ام-	
مدیری: بعضی اوقات؟	

در سطر ۲۱، در پاسخ به انتقاد و توضیح طولانی پژمان بازغی در مورد سختی حرفه بازیگری، مدیری حرف مهمان را قطع می‌کند و بخشی از پاسخ او را تکرار می‌کند و البته با آهنگ پرسشی-تعجبی خود آن را رد می‌کند. یعنی محتوای گزاره بیان شده توسط او را به چالش می‌کشد، و بدین ترتیب، عاملیت معرفتی گوینده را به چالش می‌کشد و همزمان ادعای برتری معرفتی خود در مورد عنصری از اطلاعات را بیان می‌کند (نک: لی، ۲۰۱۳). در این پاسخ مقاومتی در برابر توضیحات طولانی بازغی شکل می‌گیرد. پرسش مجری علاوه بر این که بخشی از گزاره مهمان را تکرار می‌کند با لحن پرسشی نیز همراه است و می‌توان آن را پاسخ برگردان نیز محسوب کرد، چرا که با این پرسش جهت محدودیت تغییر می‌کند و مهمان برنامه که در جایگاه پیش‌نهاددهنده موضوع و خود پاسخ‌دهنده به آن بود دچار محدودیت می‌شود و در ادامه گفت‌وگو در جایگاه پاسخ‌دهنده قرار می‌گیرد. این طراحی پاسخ توسط مجری، توالی کل کل را موجب می‌شود.

در ادامه به بررسی نمونه‌هایی می‌پردازیم که کل کل با پاسخی غیر از پاسخ برگردان آغاز شده است. در نمونه ۱۱، کل کل بین مهران مدیری و رضا رشیدپور، موضوع متفاوت از سایر کل کل‌ها و بر سر

مهارت مجریگری مهمان است و می‌توان گفت تمام گفت‌وگو به شکلی کل‌کل بین مجری و مهمان بر سر مجریگری است، چرا که بر خلاف سایر موارد که فقط بخشی از گفت‌وگو به عنوان کل‌کل هم‌رسانی شده بود، در مورد این نمونه فایل تمام بخش گفت‌وگویی برنامه به عنوان کل‌کل در فضای مجازی قرار گرفته بود. علاوه بر این، تنها در این برنامه است که مدیری خطاب به مهمان برنامه می‌گوید «با من کل ننداز».

نمونه ۱۱: کل‌کل با رضا رشیدپور (فصل ۱، قسمت ۳۲)		
۰۱	جزء اول	مدیری: بله بله (.) خب (.) چرا فکر می‌کنی مجری خوبی هستی؟
۰۲		((۱۱ ثانیه خنده و تشویق حاضران))
۰۳	پاسخ دگرگون‌ساز	رشیدپور ((همزمان با تشویق حاضران)): خیلی سوال خوبییه (.) والا اول
۰۴	←	باید-
۰۵	پاسخ درونه‌ای	مدیری:
۰۶	جزء سوم زوج	من که من که نگفتم هستین یا نه
۰۷	درونه‌ای	رشیدپور: آفرین
	تکرار جزء اول	مدیری: می‌گم چرا فکر می‌کنی مجری خوبی هستی؟
	پاسخ دگرگون‌ساز ←	رشیدپور: منم عرضم همین بود که اصن کی گفته که من جوابشُ بدم؟

مدیری به شیوه معمول خود، تغییر موضوع را با «خب» شروع می‌کند و سپس یک پرسش محتوایی از «چرایی» می‌پرسد که در آن خوب‌بودن مجریگری مهمان پیش‌فرض انگاشته شده و این پیش‌فرض نه به عنوان پیش‌فرض خود مدیری بلکه با به‌کار بردن خطاب دوم شخص مفرد به شکل پیش‌فرض مهمان تصویرسازی شده است، گویی که رشیدپور پیش از این ادعا کرده مجری خوبی است و مدیری دلیل این فکر را می‌جوید. پرسش مجری خنده و تشویق حاضران و مهمان برنامه را برمی‌انگیزد. این شیوه طراحی سوال رشیدپور را در وضعیت دوگانه‌ای قرار می‌دهد، چرا که اگر پاسخ منطبق با نوع بدهد، یعنی به ارائه دلیل بپردازد، از خود تعریف کرده و این برخلاف اصل تواضع و فروتنی در ادب ایرانی (جهانگیری، ۱۳۷۸؛ کوتلاکی، ۲۰۰۹) است. مهمان در نوبت خود (سطر ۳) ابتدا ارزیابی مثبتی از پرسش ارائه می‌کند و پس از مکثی کوتاه با گفتن «والا (.) اول باید» احتمالاً آماده می‌شود که پیش‌انگاره سوال را رد کند، ولی مجری کلام او را قطع می‌کند و به او یادآور می‌شود که پرسشش یک پرسش دوشقی نیست (سطر ۴)، و با تکرار پرسش یادآور می‌شود که یک پرسش محتوایی از نوع «چرایی» پرسیده و با این کار محدودیت پرسش را به مهمان یادآوری می‌کند. رشیدپور در سطر ۷، با گفتن «منم عرضم همین بود» بیان می‌کند که متوجه محدودیت پرسش هست اما پیش‌فرض سوال را نمی‌پذیرد («اصن کی گفته که من جوابشُ بدم?»).

پاسخ رشیدپور از نوع پاسخ‌های دگرگون‌ساز^۱ (استیورز و هایاشی، ۲۰۱۰) است. پاسخ‌های دگرگون‌ساز پاسخ‌هایی هستند که با طراحی خود تغییراتی در سوال می‌دهند، یعنی سوال پرسیده‌شده را تعدیل می‌کنند یا تغییر می‌دهند. ویژگی اصلی پاسخ‌های دگرگون‌ساز این است که ضمنی و غیرمستقیم‌اند و پیشرفت و تداوم توالی را متوقف نمی‌کنند. تغییر در سوال می‌تواند تغییر در شرایط و برنامه کاری سوال باشد و نشان دهد که در سوال مشکلی هست که نمی‌توان به آن پاسخ داد. اغلب پاسخ‌های این دسته موضوع، سویگیری، یا پیش‌انگاره سوال را تغییر می‌دهند یا تعدیل می‌کنند. رشیدپور می‌کوشد آشکارا و به‌صراحت پیش‌انگاره سوال، یعنی گزاره «رشیدپور فکر می‌کند مجری خوبی است»، را به چالش بکشد و سوال مدیری را نامعتبر جلوه بدهد. مدیری ابتدا با قطع کلام او در سطر ۴ این اجازه را به او نمی‌دهد اما رشیدپور در سطر ۷ در برابر پیش‌فرض سوال مقاومت می‌کند. در پاسخ‌های دگرگون‌ساز در مقایسه با پاسخ‌های تأیید نشان‌دار (نمونه ۳) و پاسخ‌های دارای تکرار (نمونه ۱۰) عاملیت بیشتری وجود دارد. بنا بر این، در پاسخ رشیدپور مقاومت قوی و آشکاری در برابر پرسش مدیری شکل می‌گیرد چرا که به‌دنبال ایجاد پیش‌انگاره‌ای جدید است (لی، ۲۰۱۳: ۴۲۹-۴۳۰).

نمونه ۱۲ تنها نمونه‌ای است که مهمان ۵۳ ساله برنامه با نقض شرط کیفیت اصل همکاری گرایس («حقیقت را بگو.») (گرایس، ۱۹۷۵) پاسخی آشکارا نادرست می‌دهد و این پاسخ نادرست موجب فعال‌سازی قاب کل کل می‌گردد:

نمونه ۱۲: کل کل با فاطمه گودرزی (فصل ۱، قسمت ۷۳)		
مدیری: چند سالتونه؟	۰۱	
گودرزی: سی و پنج سال:	۰۲	پاسخ نادرست
		←

مهمان در پاسخ خود محدودیت موضوع سوال را می‌پذیرد اما پاسخی نادرست می‌دهد البته با بیان «سی و پنج سال:» با لحنی تقریباً عشوه‌گرانه، خود نادرستی آن را نشان می‌دهد. غیبت پاسخ صحیح به پرسش محتوایی مجری، غیبتی مرتبط یا معنادار^۲ یا غیبتی رسمی^۳ (شگلاف، ۲۰۰۷: ۲۰) محسوب می‌شود و با فعال نمودن بخشی از نظم اخلاقی که می‌گوید خانم‌ها سنشان را نمی‌گویند یا کمتر از آن چه هست می‌گویند در ذهن مجری و حاضران در سالن موجب خنده و قهقهه آنان می‌شود. این پاسخ آشکارا نادرست مقاومت در برابر موضوع محسوب می‌شود و زمینه را برای توالی جدیدی از پرسش و پاسخ فراهم می‌کند که بالقوه توالی کل کل را ایجاد می‌کند.

1. Transformative response
2. non-trivially relevant
3. officially absent

در دو مورد دیگر نیز مجری به جای پرسیدن سوال مطالبی را طرح می کند که مورد مخالفت مهمان قرار می گیرد. در نمونه ۱۳ مجری طرح موضوع سن را نه با یک پرسش از نوع جزء اول زوج همجوار، بلکه با یک توالی وارونه یا واپس نگر^۱ آغاز می کند. توالی وارونه یک نوع توالی متفاوت از زوج همجوار است که بر عکس زوج همجوار که پیش نگر است، یعنی جزء دوم در پاسخ به یک جزء اول تولید می شود، «توالی از جزء دوم فعال می شود» (شگلاف، ۲۰۰۷: ۲۱۷). در این نوع توالی ها طوری به نظر می آید که گویی جزء اول قبل از این تولید شده و حالا جزء دوم در واکنش و پاسخ به آن تولید می شود حال آن که جزء اولی وجود ندارد. پس از پایان گفت و گوی مهرا ن مدیری و مسعود فراستی درباره روحیات فراستی، مدیری پس از مکثی کوتاه می گوید:

نمونه ۱۳: کل کل با مسعود فراستی (فصل ۴، قسمت ۴۷)		
مدیري: و شاید به خاطر همین روحیه خوب و حال خوب همیشگیست که اصلا	۰۱	
سنت بت نمیا د. نه؟	۰۲	مخالفت صریح
فراستی: هههههههه (.) نه سنم (.) شایعه ست این حرفا.	←	

این توالی وارونه البته به عنوان پرسشی طراحی شده که نیاز به تأیید دارد («نه؟») و نوبت را به مهمان واگذار می کند. تغییر موضوع و همزمان تغییر قاب برخلاف سایر موارد که با مکث و کلمه «خب» انجام می گرفت، در این جا با ربط دادن موضوع سن به موضوع قبلی یعنی روحیه خوب مهمان انجام شده و حرکت از یک موضوع به موضوع بعد بدون وقفه و نرم تر و آرام تر صورت گرفته است (نک: کوتنر^۲، ۲۰۲۰). پرسش مجری بین سن مهمان و روحیه او تقابلی ایجاد کرده و مقدمه ای است برای گفتن «خیلی پیر هستی» که در بین مردان ایرانی که با هم سابقه آشنایی دارند، اغلب با پاسخی مقاومت آمیز مواجه می شود، چه به شکل تشکر تعارف آمیز و چه به شکل رد بخشی از گزاره (یا سن یا روحیه). مهمان برنامه که گویا با نحوه طرح موضوع سن غافل گیر شده است (با توجه به خنده ناگهانی و مکث ها) با گفتن «نه سنم (.) شایعه ست این حرفا» گفته او را رد می کند و با این رد کردن زمینه ادامه توالی درباره موضوع را فراهم می کند.

در نمونه ۱۴ نیز مجری رو به حاضران در سالن و دوربین، در یک جمله خبری بی مقدمه، مهارت آشپزی مهمان را «خیلی بد» توصیف می کند:

1. retro-sequence
2. Küttner

نمونه ۱۴: کل کل با آزاده صمدی (فصل ۱، قسمت ۹۵)

مدیری: ((رو به تماشاچیان و دوربین)) آشپزی خانم صمدی و دست‌پختشون	۰۱
خیلی بده.	۰۲ مخالفت
صمدی: ((چشمانش را درشت کرده با چهره متعجب)) <u>بی‌نظیره!</u>	صریح ←

در این کل کل، مدیری به جای پرسیدن سوال از مهمان، خود پاسخ سوال پرسیده را خطاب به تماشاچیان می‌دهد، که با مخالفت صریح و تعدیل‌نشده مهمان مواجه می‌شود و زمینه ادامه توالی را فراهم می‌کند. در نمونه (۱۵) پرسش مجری، همچون نمونه (۷)، از نوع پرسش‌واژه‌ای است که دعوت به یک کنش یا اقدام محسوب می‌شود و به‌گونه‌ای طراحی شده که مهمان اگر بخواهد پاسخ منطبق بدهد هیچ انتخابی جز دادن هدیه، یا وعده آن، به برنامه ندارد:

نمونه ۱۵: کل کل با هادی کاظمی (فصل ۱، قسمت ۹۱)

مدیری: به موزه دورهمی چی می‌دی؟	۰۱
کاظمی: ها؟	۰۲ اظهار
مدیری: هه‌هه‌هه‌هه	۰۳ بی‌اطلاعی ←
کاظمی: موزه چیه؟	۰۴
((تشویق تماشاچیان))	۰۵ اظهار
کاظمی: موزه چیه؟ (۰) اون وقت؟	۰۶ بی‌اطلاعی ←
	اظهار
	بی‌اطلاعی ←

مهمان برنامه در پاسخ از موضوع پرسش اظهار بی‌اطلاعی کامل می‌کند و هر گونه آگاهی از اصل سوال و ماجرا را انکار می‌کند (سطرهای ۲، ۴ و ۶). این شیوه طراحی پاسخ به او کمک می‌کند از دادن وعده و تعهد به اقدام (در این جا، دادن هدیه) پرهیز کند (نک: بیچ و مترگر، ۱۹۹۷). این شکل از پاسخ مقاومتی بسیار قوی در برابر موضوع اقدام را شکل می‌دهد، که به نوبه خود موجب شکل‌گیری توالی‌ای جدید و شکل‌گیری قاب کل کل می‌گردد.

خلاصه این‌که، بالاترین بسامد در کل کل‌ها مربوط به پاسخ برگردان است که در آن جهت محدودیت عوض می‌شود، یعنی پرسش‌کننده با پاسخی که دریافت نموده خود دچار محدودیت می‌شود. در همه نمونه‌های ۴ تا ۱۰، با پاسخ برگردان یا پرسش متقابل، گوینده جزء اول تحت فشار و محدودیتی قرار می‌گیرد

که باید تصمیم بگیرد جزء دوم مرتبط را تولید کند، یا نکند. به بیانی دیگر، تولیدکننده برگردان محدودیتی را که با تولید جزء اول زوج همجوار پایه برایش ایجاد شده، به سمت گوینده جزء اول برمی‌گرداند و او را در موقعیت مشابهی قرار می‌دهد. در نتیجه، پاسخ برگردان نوعی مقاومت در برابر برنامه پرسش جزء اول محسوب می‌شود. در سایر نمونه‌ها نیز مقاومت با تلاش برای تغییر پیش‌انگاره سوال (نمونه ۱۱)، با پاسخ نادرست (نمونه ۱۲)، با مخالفت صریح (نمونه‌های ۱۳ و ۱۴) یا ادعای بی‌اطلاعی از موضوع (نمونه ۱۵) شکل می‌گیرد. در هیچ‌یک از پرسش‌ها و پاسخ‌های آغازین کل‌کل خطاب مستقیم با نام و ابزارهای تعدیل یا تلطیف نیروی کنش پرسش یا پاسخ به کار نرفته است (به استثناء نمونه ۸).

در نتیجه می‌توان ادعا کرد در توالی پرسش و پاسخی که منجر به شکل‌گیری قاب کل‌کل می‌شود پرسش‌کننده با نوع طراحی پرسش خود، چه به شکل بله/خیر، چه پرسش‌واژه‌ای و چه دوشقی، محدودیت‌هایی برای پاسخ‌دهنده ایجاد می‌کند و پاسخ‌دهنده، چه مجری و چه مهمان، جوابی می‌دهد که کم یا زیاد در برابر محدودیت‌های پرسش مقاومت می‌کند و با مسیری که طبق محدودیت‌های پرسش و بر اساس انتظارات پاسخ مرتبط در زوج‌های همجوار پیش‌بینی می‌شود همسو نیست و تغییر مسیری نسبت به آن محسوب می‌شود. مقایسه نمونه‌های ۱ تا ۳ با نمونه‌های ۴ تا ۱۵ نشان می‌دهد که در کل‌کل‌های برنامه دورهمی قاب کل‌کل با پرسش و پاسخی فعال می‌شود که تلطیف‌شده یا تعدیل‌شده نیستند. منظور از تعدیل یا تلطیف استفاده از ابزارهای کلامی، مثل کلمه‌ها و عبارتها و ساخت‌های دستوری، و غیرکلامی، مثل زیر و بمی صدا و آهنگ، است که «موجب تضعیف یا کاهش نیروی کنش پاره‌گفته می‌شوند» (فلورس-فران، ۲۰۲۰). قاب بزرگتر برنامه که یک برنامه تلویزیون واقعیت‌نمای سرگرم‌کننده است و همچنین خنده‌ها و حالات چهره میزبان و مهمان همگی شوخی بودن و جدی و خصمانه نبودن قاب را تضمین می‌کند.

۵- کل‌کل، نظم اخلاقی و ادب/بی‌ادبی

پرسشی که در این بخش می‌کوشیم پاسخ بدهیم این است که چه ویژگی یا کدام عامل سبب می‌شود در برخی گفت‌وگوها در برنامه دورهمی کل‌کل شکل بگیرد و در برخی دیگر نگیرد. به عبارت دیگر، چه کسانی در برابر برنامه پرسش یا پیش‌انگاره‌های آن مقاومت می‌کنند و چه کسانی نمی‌کنند؟ یا مجری در برابر چه کسانی بر گرفتن پاسخ اصرار نمی‌کند و در برابر چه کسانی می‌کوشد آن‌ها را وادار به دادن پاسخ مرتبط بکند؟

به نظر می‌رسد هم افراد و هم تاحدودی موضوعاتی که کل‌کل سرگرم‌کننده بر سر آن‌ها مجاز است در برنامه دورهمی تعریف نسبتاً مشخصی دارند. به بیان دیگر، این که چه کسی می‌تواند با چه کسی وارد کل‌کل بشود و در مورد چه موضوع یا موضوعاتی کل‌کل کنند بستگی دارد به مجموعه عواملی که تعیین‌کننده آن نظم اخلاقی^۱ حاکم بر فرهنگ ایرانی، هنجارهای حاکم بر تلویزیون و هنجارهای شکل‌گرفته بین مهمان و میزبان، چه درون برنامه و چه پیش از آن، است. منظور از نظم اخلاقی مجموعه توقعات و انتظاراتی است که

1. moral order

«دیده می‌شوند ولی جلب توجه نمی‌کنند» (گارفینکل، ۱۹۶۷: ۳۶). به بیانی دیگر، نظم اخلاقی «نظامی از حقوق، الزامات و وظیفه‌ها در اجتماع است به همراه ملاک‌هایی که طبق آن‌ها افراد و فعالیت‌هایشان ارزیابی می‌شوند» (هَره^۱، ۱۹۸۷: ۲۱۹).

در برنامه دوره‌می پرسش تعدیل نشده از سن، بنا به سنتی که در فرهنگ ایرانی شکل گرفته، و از عاشق شدن، بنا به سنتی که در برنامه ایجاد شده، بالقوه امکان فعال‌سازی قاب آیین کل کل را فراهم می‌کنند. در مورد سایر موضوع‌ها اما هنجارهای شکل گرفته بین مهمان و مجری و تفسیر و طراحی پرسش و پاسخ است که کلید خوردن یا نخوردن قاب کل کل را تعیین می‌نماید. پاسخ‌دهنده می‌تواند با مقاومت در برابر بعد یا ابعدی از برنامه پرسش و طفره رفتن از ارائه پاسخ مرتبط منطبق با نوع تمایل خود را به کل کل نشان دهد. به این ترتیب، کل کل بین مهمان و مجری مشترکاً ساخته می‌شود.

در مورد سوال سن، مجری از قبل سن مهمان را می‌داند، هر چند که ساختار سوال ممکن است تداعی نامطلع بودن داشته باشد. به همین دلیل است که در پرسش از سن، مجری تنوع بیشتری را در طراحی سوال به کار می‌برد. در پرسش عاشق شدن، مجری تنها از یک طراحی سوال استفاده می‌کند (پرسش دوقطبی بله/خیر) که او را در موضع نامطلع قرار می‌دهد، و هر چند ممکن است در مواردی از قبل در مورد موضوع مطلع باشد- اما به دلیل توقعات و انتظارات نظم اخلاقی و حقوق و اختیارات جایگاه مجری در تلویزیون نمی‌تواند از موضع مطلع وارد شود و، بنا بر این، پرسش با ساختار خبری یا سایر شیوه‌ها در اختیار او نیست. به نظر می‌رسد در مورد سایر موضوع‌ها تنوع شیوه‌های طراحی پرسش بیشتر باشد. اما وجه اشتراک همه آن‌ها صریح، مستقیم و تعدیل نشده بودن پرسش است.

در مورد افراد نیز مشاهده سایر قسمت‌های برنامه و بررسی نوع رابطه مهمان و میزبان نشان می‌دهد قاب کل کل عمدتاً بین مجری و کسانی فعال می‌شود که سابقه آشنایی، همکاری و حتی دوستی دیرینه با او دارند و از نظر سن نیز اختلاف خیلی زیادی ندارند. تنها موارد استثناء از نظر اختلاف سن، کل کل با مسعود فراستی (نمونه ۱۳)، و از نظر سابقه رابطه قبلی، کل کل بین مدیری و آذری جهرمی (نمونه ۸) و کل کل با سینا سرلک (فصل ۳ قسمت ۴۸) است که هر سه تفاوت‌هایی با سایر کل کل‌ها در نحوه آغاز خود دارند. در کل کل با فراستی به‌رغم اختلاف سنی بالای پانزده سال، سابقه دوستی طولانی بین مهمان و مدیری امکان آغاز کل کل بین آن‌ها را فراهم می‌کند اما با شکل و شمایلی متفاوت (با توالی وارونه) و با پاسخ مخالف بزرگتر (فراستی)، نه کوچکتر (مدیری)؛ در کل کل با وزیر نیز مهمان است که پاسخ برگردان می‌دهد آن هم با جمله‌ای در قالب خبری، به شیوه‌ای تعدیل شده و احترام‌آمیز که در هیچ‌یک از دیگر کل کل‌ها دیده نمی‌شود؛ در سومی، مجری ابتدا با پاسخی تعدیل شده شروع می‌کند و مهمان تا مدتی پاسخ‌هایی از جنس پاسخ نامرجح می‌دهد و تنها زمانی پاسخ با مقاومت بدون تعدیل می‌دهد که مجری موضوع کل کل را «سوژه» می‌نامد (در مورد اخیر نک: حسینی، ۱۳۹۹). در مورد فراستی هر چند رابطه مهمان و مجری صمیمی و

نزدیک است اما هنجارهای نظم اخلاقی حاکم بر فرهنگ ایرانی و احتمالاً تلویزیون اجازه نمی‌دهد کل کلی شبیه به موارد دیگر شکل بگیرد. در هیچ‌یک از دو مورد دیگر رابطه مجری و مهمانان مطابق هنجارهای اجتماعی و حتی هنجار شکل‌گرفته بین آن‌ها در برنامه به‌گونه‌ای نیست که کل کل را مجاز کند اما مجری و مهمانان با حرکت در مرز همین هنجارها که ویژگی آیین‌های رابطه‌ای همچون کل کل است (حسینی، ۱۳۹۹؛ کادار، ۲۰۱۳) مشترکاً قاب کل کل را می‌سازند. در هر حال به دلیل همین حقوق و الزامات حاکم بر رابطه‌هاست که مدیری پرسش خود از مهمانان بزرگتر از خود را متفاوت شروع می‌کند (نمونه‌های ۱ و ۲) و در برابر مقاومت مهمان پیش‌کسوت از خود مقاومتی نشان نمی‌دهد (نمونه ۲). گافمن مدعی است که آن‌ها که در درون یک موقعیت هستند در حالت معمول تعریف موقعیت را خودشان خلق نمی‌کنند، بلکه جامعه است که در قالب نظام توقعات و انتظارات این کار را برایشان انجام می‌دهد؛ کاری که افراد می‌کنند عبارت است از ارزیابی درست آن‌چه که یک موقعیت باید برای آن‌ها باشد و سپس عمل مطابق آن (گافمن، ۱۹۸۶ [۱۹۷۴]: ۱-۲). مواردی همچون نمونه‌های ذکر شده نشان می‌دهد که در درون آیین‌های رابطه‌ای همچون کل کل، و احتمالاً سایر موقعیت‌ها، افراد می‌توانند مشترکاً تعریفی از موقعیت بسازند و هنجارهای سطوح بالاتر نظم اخلاقی (نک: کادار و ها، ۲۰۱۳) را موقتاً بلااثر سازند.

در این پژوهش صرفاً به بررسی نحوه آغاز کل کل سرگرم‌کننده در برنامه دورهمی پرداختیم اما کل کل رفتاری است که ممکن است منفی ارزیابی می‌شود. با توجه به یافته‌ها می‌توان پیش‌بینی کرد کل کل زمانی ممکن است نامودبانه ارزیابی شود که بر سر موضوع یا موضوعاتی و در بین کسانی انجام گیرد که طبق هنجارهای نظم اخلاقی پنداشته حاکم بر یک رابطه، حداقل از دید یکی از افراد دخیل در رابطه یا ناظر بیرونی، مقاومت‌کننده در برابر پرسش آغازین فاقد حق مقاومت پنداشته شود و این کار را بدون تعدیل کافی کنش مقاومت‌آمیز انجام دهد.

۶- نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی نحوه آغاز کل کل سرگرم‌کننده در برنامه دورهمی پرداختیم و دیدیم که هر سوال با نحوه طراحی خود محدودیت‌هایی را در برابر پاسخ‌دهنده قرار می‌دهد. اما صرف سوال به تنهایی نمی‌تواند موجب کل کل بشود چرا که اگر مهمان برنامه مطابق با قواعد ربط در زوج‌های همجوار پاسخ مرتبط بدهد زنجیره کل کل آغاز نخواهد شد، چرا که پاسخ صحیح مرتبط‌ترین پاسخ است و اگر مهمان پاسخ مورد انتظار و مرتبط بدهد، یعنی جزء دوم زوج همجوار را تولید کند، توالی پایان می‌یابد و کل کل شکل نمی‌گیرد. نکته مهم در آغاز قاب کل کل درجه‌ای از مقاومت در برابر یک پرسش یا پیش‌انگاره‌های آن است که به شکل تعدیل نشده بیان گردد. همچنین، نشان داده شد که هنجارهای نظم اخلاقی نقش مهمی در شکل گرفتن یا نگرفتن قاب کل کل سرگرم‌کننده دارند-چه در تعیین موضوعات و چه در تعیین افرادی که مجاز به کل کل هستند.

منابع:

- جهانگیری، نادر. (۱۳۷۸). گونه‌های احترام، سلطه و همبستگی در زبان فارسی، در *زبان، بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه* (مجموعه مقالات). صص. ۱۲۵-۱۵۹. تهران: نشر آگه.
- حسینی، سیدمحمد. (۱۳۹۹). کل کل به مثابه آیین تعاملی رابطه‌ای: مطالعه موردی کل کل در برنامه دورهمی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال ۱۲، شماره ۲۳، صص. ۱۸۹-۲۱۸.
- حسینی، سیدمحمد. (۱۳۹۶). وجهه در فرهنگ ایرانی و ارتباط آن با ادب: مطالعه موردی گفت‌وگوهای زنده تلویزیونی. رساله دکتری منتشرنشده. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- فرنیاه، م. و ن. عابدیان. (۱۳۹۹). پرسش‌های چالشی خبرنگاران در مصاحبه‌های سیاسی ایران و آمریکا. *علم زبان*، سال ۷، شماره ۱۲، صص. ۳۶۱-۳۹۲.
- Atkinson, J. M. & J. Heritage (Eds.) (1984). *Structures of Social Action: Studies in Conversation Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bax, M. & Padmos, T. 1983. Two types of verbal dueling in Old Icelandic: The interactional structure of the "senna" and the "mannjafnaðr" in Hárbarðsljóð. *Scandinavian Studies*. 55, 2, p. 149-174.
- Beach, W. A., & Metzger, T. R. (1997). Claiming insufficient knowledge. *Human Communication Research*, 23 (4), 562-588.
- Clayman, S. E. (2001). Answers and evasions. *Language in Society*, 30(3), 403-442.
- Clayman, S. E. (2013). Agency in response: The role of prefatory address terms. *Journal of Pragmatics*, 57, 290-302.
- Clift, R. 2016. *Conversation Analysis*. Cambridge University Press.
- Eelen, G. (2001). *A Critique of Politeness Theories*. Manchester: St. Jerome.
- Flores-Ferrán, N. (2020). *Linguistic Mitigation in English and Spanish: how speakers attenuate expressions*. London: Routledge.
- Garfinkel, H. (1967). *Studies in Ethnomethodology*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Goffman, E. (1967). *Interaction ritual: Essays on face-to-face behavior*. Pantheon Books, New York.
- Goffman, E. (1981). *Forms of Talk*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Grice, H. P. (1975). Logic and Conversation. In Donald Davidson & Gilbert Harman (eds.), *The Logic of Grammar*. Encino, CA: pp. 64-75.
- Harré, R. (1987). Grammar, psychology and moral rights. In M. Chapman & R. A. Dixon (eds.) *Meaning and the Growth of Understanding: Wittgenstein's Significance for Developmental Psychology*. Berlin: Springer-Verlag: pp. 219-230.
- Hayano, K. (2013). Question Design in Conversation. In J. Sidnell & T. Stivers (Eds.), *The handbook of conversation analysis*. Wiley Blackwell, pp. 395-414.
- Heritage, J., & Atkinson, J. M. (1984). Introduction. In: J. M. Atkinson and J. Heritage (Eds.). *Structures of Social Action: Studies in Conversation Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 1-15.
- Jefferson, G. (1984). On stepwise transition from talk about a trouble to inappropriately next-positioned matters. In: J. M. Atkinson and J. Heritage (Eds.). *Structures of Social Action: Studies in Conversation Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 191-221.

- Kádár, D. Z. (2013). *Relational rituals and communication: Ritual interaction in groups*. London: Palgrave MacMillan.
- Kádár, D. Z., and M. Haugh. (2013). *Understanding Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Koutlaki, S. A. (2009). Two sides of the same coin: how the notion of 'face' is encoded in Persian communication. In F. Bargiela-Chiappini & M. Haugh (Eds.), *Face, Communication and Social Interaction*. London: Equinox, pp. 115–133.
- Küttner, U-A. (2020). Tying Sequences Together with the [That's + Wh-Clause] Format: On (Retro-)Sequential Junctures in Conversation, *Research on Language and Social Interaction*, 53:2, 247-270.
- Labov, W. (1972). Rules for ritual insults. In *Language in the Inner City: Studies in the Black English Vernacular*. Philadelphia: Pennsylvania Press, pp. 297-352.
- Lee, S-H. (2013). Response Design in Conversation. In J. Sidnell & T. Stivers (Eds.), *The handbook of conversation analysis*. Wiley Blackwell, pp. 415-432.
- Murphy, S. P. (2015). Humor orgies as ritual insult: Putdowns and solidarity maintenance in a corner donut shop. *Journal of contemporary ethnography*, 44, 1-25.
- Psathas, G. (1995). *Conversation Analysis: The Study of Talk-in-Interaction*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Raymond, C. W. (2016). Sequence Organization. In Jon Nessbaum (Ed.) *Oxford Research Encyclopedia of Communication*, Oxford University Press. Doi:10.1093/acrefore/9780190228613.013.133 (accessed: 22/05/2020)
- Raymond, G. (2003). Grammar and social organization: Yes/no interrogatives and the structure of responding. *American Sociological Review*, 68(6), 939–967.
- Raymond, G. (2013). At the intersection of turn and sequence organization: On the relevance of "slots" in type-conforming responses to polar interrogatives. In B. Szczepiek Reed & G. Raymond (Eds.), *Units of talk - Units of action*. John Benjamins, pp. 169–206.
- Sacks, H., Schlegoff, E. A., & Jefferson, G. (1974). A simplest systematics for the organization of turn-taking in conversation. *Language*, 50(4), 696–735.
- Scheff, T. J. (2005). The structures of context: deciphering Frame Analysis. *Sociological Theory*, 23(4), 365-385.
- Schegloff, E. A. (2007). *Sequence organization in interaction: A primer in conversation analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Schegloff, E. A. (2015). Conversational Interaction: The Embodiment of Human Sociality, In: D. Tannen, H. E. Hamilton, D. Schiffrin (Eds.). *The Handbook of Discourse Analysis* (2nd edn). New Jersey: John Wiley & Sons Inc., pp. 346–366.
- Schwebel, D. C. (1997). Strategies of Verbal Dueling: How College Students Win a Verbal Battle. *Journal of Language and Social Psychology* 13(3): 326–43.
- Stivers, T. (2011). Morality and question design: 'Of course' as contesting a presupposition of askability. In T. Stivers, L. Mondada & J. Steensig (Eds.), *The morality of knowledge in conversation*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 82 – 106.
- Stivers, T. (2013). Sequence organization. In J. Sidnell & T. Stivers (Eds.), *The handbook of conversation analysis*. Wiley Blackwell, pp. 191–209.
- Stivers, T., & Hayashi, M. (2010). Transformative answers: One way to resist a question's con-straints. *Language in Society*, 39(1), 1–25.
- Tannen, Deborah. (1986). Frames Revisited. *Quaderni di Semantica* 7(1), 106-109.

- Ten Have, P. (2007). *Doing Conversation Analysis: A Practical Guide*. Los Angeles: Sage Publications.
- Tolson, Andrew. (2006). *Media Talk: Spoken Discourse on TV and Radio*. Edinburgh: Edinburgh University Press.

پیوست:

راهنمای ترانویسی (کوتاه‌شده از حسینی، ۱۳۹۹)

در پیاده‌سازی گفت‌وگوها از نشانه‌های زیر، برگرفته از تین هاوه (۲۰۰۷)، استفاده شده ولی نشانه‌هایی نیز با توجه به امکانات خط فارسی اضافه شده یا تغییر داده شده‌اند.

[نقطه شروع هم‌پوشی (صحبت همزمان دو نفر)

[نقطه پایان هم‌پوشی

= در پایان سطر و در آغاز سطر، یعنی نبود شکاف یا فاصله زمانی بین دو بخش

(۰) مکث بسیار کوتاه

(۰.۰) طول تقریبی زمان مکث به ثانیه یا کسر ثانیه

:: کشیده‌تر تلفظ شدن صدای قبل. تعداد بیش‌تر دو نقطه‌ها یعنی کشیدگی بیش‌تر. این علامت تنها

پس از واژه‌های بلند فارسی که در نوشتار با «ا»، یا «و» نوشته می‌شوند بکار رفته است. مثل بسیا:::

- قطع کلام و/یا ناتمام ماندن جمله یا عبارت یا رشته کلام

. آهنگ افتان در پایان جمله یا پاره‌گفته

? آهنگ خیزان در پایان جمله یا پاره‌گفته

، آهنگ ادامه‌دار جمله یا پاره‌گفته

! بیان کلمه یا پاره‌گفته با لحنی مشتاقانه، شگفت‌زده یا هجان‌زده

(()) توضیح‌ها و توصیف‌های پژوهشگر

کلمه کشیده‌تر بودن یک حرف علامت کشیدگی است و برای همخوان‌های کشیده فارسی یا برای

نشان دادن کشیدگی واژه‌های کوتاه، ، بکار رفته است. مثلاً خییلی (برای کشیدگی ی) یا خییلی

(برای کشیدگی واژه)

کلمه بیان کلمه یا کلمه‌ها همراه با خنده

واژه واژه یا عبارت پررنگ با تکیه، بلندی یا تأکید بیشتری بیان شده است.

هاها قهقهه. طول قهقهه با تکرار نشان داده شده است.

هههه خنده. طول خنده با تکرار نشان داده شده است.